

هنر قدسی

مجتبی مطهری (الهامی)



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۸۵

مطهری، مجتبی، ۱۳۳۲ -

هنر قدسی / مجتبی مطهری (الهامی). - تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
۲۷۴ ص.

ISBN 964 - 423 - 610 - 6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. معنویت در هنر. ۲. هنر و دین. ۳. هنر - فلسفه. ۴. زیبایی شناسی.
الف. عنوان.

۷۰۴/۹۴۸

NA۲۴۸/م ۶ م ۵۶

م ۸۵-۳۲۰۵

کتابخانه ملی ایران



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نقت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۵۱۱۹۹

تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۲۲۴۲

تلفن: ۲۹۹۹۲۳۵۵

فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۳۶۰۷۲۳

هنر قدسی

نوشته مجتبی مطهری (الهامی)

حروف نگاری، چاپ و معالیه: مؤسسه اطلاعات

حروف نگار و مسجعرد از بر میرمشتی طراح روی جلد و راهنمایی

شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۵

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

ISBN: 964-423-610-6

شابک: ۶-۶۱۰-۴۲۳-۹۶۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۳		دیباجه
بخش اول: موهو هنر		
۲۱		۱- تأملی در تعریف هنر
۳۳		۲- ماهیت هنر
۳۸		۳- انسان و اثر هنری
۴۱		۴- هنر برای هنر
۴۸		۵- هنر و انسان
بخش دوم: هنر و زیبایی		
۵۳		۱- توصیف زیبایی
۵۷		۲- زیبایی شناسی
۶۹		۳- حقیقت زیبایی
بخش سوم: هنر و دین		
۷۷		۱- هم‌نوایی هنر و دین

۸۴	۲- هنر و حکمت
۸۸	۳- هنر و اسطوره
۹۳	۴- هنر دینی
۱۱۱	۵- عرفان، هنر، موسیقی

بخش چهارم: هنر و خیال

۱۳۵	۱- نور خیال
-----	-------------

بخش پنجم: هنر و علم

۱۶۱	۱- گوهر علم
۱۶۶	۲- بینش شهودی

بخش ششم: هنر و سمبولیسم

۱۷۳	۱- مجاز، تشبیه، استعاره، تمثیل
۱۸۴	۲- سمبولیسم
۱۹۲	۳- محور سمبولیسم
۲۰۲	۴- سمبولیسم در هنرهای زیبا
۲۱۳	۵- ادبیات عرفانی

بخش هفتم: ویژگی هنر قدسی

۲۲۳	ویژگی هنر قدسی
۲۶۷	منابع و مأخذ

مقدمه

هنر یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی بشری است و فرهنگ و تمدن انسان را نمی‌توان بدون آن تصور کرد، زیرا بدون هنر زندگی انسان مبدل به زشتی می‌شود و طبیعت انسان از روی سرشت یا زشتی تنافر دارد.

حکمای قدیم معتقد بوده‌اند که هستی مبتنی بر سه اصل است، یعنی حقیقت، خیر و جمال و این امر مبتنی بر این اصل است که انسان به جهت داشتن سه قوه الهی از دیگر موجودات ممتاز می‌شود، یکی قوه عالمه، دیگر قوه عامله و سدیگر قوه مبدعه. غایت قوه عالمه، کشف یا شناخت حقیقت است. غایت قوه عامله، اراده یا فعل خیر و کمال قوه مبدعه و غایت آن، آفرینش امر زیبا یا به سخن دیگر، خلق زیبایی و جمال است.

اما باید توجه داشت که خلق یا آفرینش زیبایی با دو عامل دیگر که برشمردیم، یعنی خیر و حقیقت، ارتباط ذاتی دارد، به سخن ساده‌تر هیچ حقیقتی بدون زیبایی و هیچ امر زیبایی بدون حقیقت متصور نیست و به همین جهت افلاطون، الهه زیبایی را شکوه و تجلی حقیقت دانسته است. در زبان فارسی هم هنر

در اصل به معنای کمال و آفرینش کمال است. این سخن بدین معنی است که کمال و جمال دو وجه از يك حقیقت است، کمال، باطن جمال و جمال، وجه بیرونی و ظاهر کمال است. کلمه حسن و مشتقات آن که در قرآن مجید به جای جمال مورد استفاده قرار گرفته است، هر دو معنی کمال و جمال را دربر می گیرد.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد در تفسیر معنای زیبایی، سخت اهمیت دارد، این است که در جهان بینی سنتی، زیبایی فقط به زیبایی حسی محدود نمی شود. در غرب امروز، معنای زیبایی فقط با زیبایی حسی گره خورده است. خود کلمه استتیک (aesthetics) که امروزه در غرب مترادف با زیبایی شناسی به کار می رود، در اصل از کلمه یونانی aesthesis به معنای حس یا ادراک حسی است و بنا بر این از قرن هجدهم تا کنون در مغرب زمین از زیبایی، زیبایی حسی اراده می شود، یعنی آنچه به حواس، مانند چشم و گوش، زیبا می آید. اما در جهان بینی دینی، سنتی و الهی گرچه زیبایی حسی هم جلوه‌ای از زیبایی مطلق است، اما زیبایی معنوی، جمال نفسانی و روحانی هم در واقع زیباست و حتی بیشتر از زیبایی حسی، از حقیقت زیبایی بهره‌مندی دارد. اما هنر زیبایی در عالم، چه زیبایی حسی یا معنوی و روحانی فقط جلوه‌ای از زیبایی مطلق است و آن زیبایی مطلق جز خداوند نیست که در عین حال حقیقت مطلق و خیر مطلق است و این سه اصل وجود در ذات او وحدت می یابد.

قبلاً به این نکته اشاره رفت که هنر یکی از ارکان مهم زندگی انسان و یکی از مظاهر برجسته فرهنگ و تمدن اوست. اصلاً هنر بهترین راه و روش برای بیان حکمت معنوی است و این اصل در تمدن گذشته ما به خوبی مشهود است که در آن همه جنبه‌های زندگی انسان از خانه، کوچه، مسجد و بازار گرفته تا ساده‌ترین ابزارهای مورد استفاده روزمره، با هنر ارتباط داشته است.

به گفته تیتوس بور کهارت، دانشمند هنر شناس معروف غرب، یکی از آسان‌ترین روش‌ها برای شناختن اسلام و فرهنگ آن، مطالعه و بررسی هنر اسلامی است که در آن حقیقت و واقعیت اسلام، به بهترین وجهی مجال بروز و

ظهور یافته است. فریتهوف شوآن، عارف و مفسر کبیر حکمت خالده در جهان معاصر، در این باره و نیز در مقایسه بین هنر مدرن و هنر سنتی اظهار داشته است که در جهان مدرن که در آن تکنولوژی و نه هنر به معنای سنتی کلمه غلبه دارد، زشتی به صورت يك اصل و قاعده در آمده است. در جهان مدرن، زیبایی ای که هنر مند در صدد ابداع آن است، امری عرضی و اتفاقی است، در حالی که در جهان بینی سنتی، اساس و اصل، زیبایی است و زشتی، امری عرضی و اتفاقی است.

هنر سنتی، با امر قدسی ارتباط دارد، زیرا حضور الهی را تداعی می کند و بیانی مطمئن از حقایق الهی است. هنر سنتی، جلوه ای از جمال الهی است که در سراسر هستی تجلی یافته است. از سوی دیگر هنر معنوی، موجب تذکر و شهود حقایق است و چون از نفس مطمئنه برخاسته است، طمأنینه و سکون و آرامش نفس را در پی دارد و موجب اضطراب و تشویش و آشفتگی نفس نمی شود. در يك کلمه، هنر سنتی بهترین و بزرگترین پشتوانه زندگی دینی و حیات معنوی است.

فاضل ارجمند جناب آقای مجتبی مطهری، فرزند برومند فیلسوف فرزانه و شهید عالی قدر، مرحوم استاد مرتضی مطهری، اعلیٰ... مقامه الشریف از دیر باز به مسأله هنر قدسی و جایگاه و اهمیت آن در جهان بینی و فرهنگ دینی عنایت داشته اند و علاوه بر آثار والد ماجد خویش، کتب و مقالات فراوانی را در این زمینه مطالعه کرده اند و با توجه به اینکه کتاب مدونی به زبان فارسی درباره هنر دینی به نحو عام و هنر قدسی به نحو خاص وجود ندارد، کتاب حاضر را باید گامی مهم در این زمینه تلقی کرد که بسیاری از مباحث و مسائل مربوط به هنر قدسی و هنر دینی را در بر می گیرد. کتاب حاضر را به دانش پژوهان به ویژه دانشجویان و پژوهندگان هنر توصیه کرده، توفیق روز افزون نویسنده محترم را در راهی که در پیش گرفته اند، آرزو می کنم.

بمنه و کرمه

غلامرضا اعوانی

اول فروردین ماه هشتاد و پنج

دیباچه

عصر ما عصر تجدید میثاق با حضرت حق است که ناچار در هنر امروز و فردای ما تجلی یافت هنری که بدین تجدید عهد تعلق ندارد و آئینه آن نیست نه شایسته فرهنگ دینی ما است و نه سزاوار سرزمین الهی ما حتی در خور فرهنگ و هنر انسانی نیز نیست به قول حافظ اینجا تن ضعیف و دل خسته می خردند.

خاصه ایران الهی و اسلامی که حال به خاطر روح قدسی حضرت روح الله (ره) و دم مسیحیائی او، نهضت انبیائیش امروزه ام القری مسلمانان شده است و توجه جهانیان را به این مرز و بوم جلب کرده است.

انقلاب ما نیز، انقلاب فرهنگی است احیاء تفکر و فرهنگ الهی و بازگشت به فرهنگ و تمدن و هنر اسلامی است.

هنر قدسی

هنر قدسی هنری است متعالی و اسرار آمیز و حالتی اکسیر دارد و نام آن از کلمه قدوس که از اسماء الحسنی است، اخذ شده است. این هنر مانند الماسی

درخشنده در میان هنر سنتی می‌درخشد. هنر قدسی طبق پژوهشهای یورکهارت و شوان از لحاظ معرفتی و مبانی حکمی الهام گرفته از حکمت ذوقی و اشراقی بویژه حکمت متعالیه صدر المتألهین و عرفان محی الدین عربی است. هنر مند قدسی بر اثر سیر و سلوک عرفانی و تزکیه نفس و در نتیجه دریافت شهودی و درونی از حق در عین پیوستن به حق و ادراک لقاء الهی قدم به مرحله فنا می‌گذارد. در همین حال است که هستی خویش را احساس نمی‌کند زیرا خویش را فانی در معشوق کرده است به قول مولانا در دیباچه مثنوی:

جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای
هنر مند قدسی از آن جهت که خود و هستی را مظهر و جلوه و آئینه ذات حق می‌بیند لذا هنر و سبک او چیزی جز ظهور و تجلی اسماء حق و انعکاس صور خیال مجرد و روحانی و آئینه‌ای برای مراتب برتر هستی و یا تجلی انوار حقایق برتر و متعالی نیست و صوری روحانی نیز که در نفس قدسی هنر مند متمثل می‌شود تمثیل حقایق برتر و اعلی و منعکس کردن آن در عالم حس نیست...

البته لازم به یادآوری است که درک هنر قدسی - ادبیات عرفانی بویژه عرفان حافظ و مولانا بدون معرفت به حکمت ذوقی، بویژه حکمت متعالیه و عرفان ابن عربی میسر نیست. هنر دینی از بهترین موضوعات و معارف در کلام جدید است که همچون عرفان و ادبیات عرفانی تاریخ اسلام و تاریخ تمدن و هنر و حکمت الهی و توحید می‌تواند ما را به شناخت دقیق فرهنگ و تمدن دینی و سرّ آن راهنمایی کند.

در سفری که همراه برادر دم دکتر علی در تابستان ۸۳ به کانادا داشتیم در دیدار با یکی از اساتید برجسته و پیش کسوت دانشکده الهیات دانشگاه تورنتو، وقتی از وی سؤال شد شما که در زمینه ادیان و عرفان و تمدن و هنر شرقی و اسلامی سالها به مطالعه و پژوهش اشتغال دارید در فرهنگ دینی اسلام چه چیز نظر شما را جلب کرده و یا دقیقاً تحت تأثیر آن قرار گرفتید؟ در پاسخ به سه موضوع مهم اشاره کرد:

الف- پیوند میان دین و عقل در اسلام، ب- اندیشه توحید و وحدت وجود، ج- هنر دینی.

سبک هنری

اگر سبک و اثر هنری را مظهر و تجلی روح هنرمند بدانیم که پرده از رنگ رخسار سر درون هنرمند برمی دارد و صور خیال هنرمند را نیز آئینه ای برای تمثیل بخشیدن صورت و بیان و یا قالب هنری در عالم حس، بنابر ضرب المثل حکیمانه فارسی «از کوزه همان تراود که در اوست» شکل و سبک و یا زبان و بیان در هنر چیزی جز اثر و جلوه نفس هنرمند در عالم خارج نیست لذا هنر جدید یا هنر مدرن، را که سیر تاریخی آن از رنسانس تا امروز ادامه دارد، حدیث و خبر نفس زمینی انسان دانست از آن جهت که در جستجوی بهشت زمینی است با همه جذابیت و زیبایی ظاهری مظهر و تجلی وجه فانی (نفسانی) از وجود انسانی است نه وجه باقی (ملکوتی) هنر مدرن بر عواطف و صور خیالات نفسانی و خلاقیت های ذهنی مبتنی است (ذهنی Subjective) سبک و بیان هنر جدید (مدرن) نیز بر اساس همین معنی طراحی شده است. در عین اینکه هنر امروز با معنی هنر در فرهنگ و تمدن انسانی و ادب فارسی نیز همخوانی ندارد از آن جهت که نفس هنر همواره با معنی اخلاقی و انسانی استوار است.



باری نگارنده در طول تحصیل در رشته الهیات و فرهنگ تمدن و هنر اسلامی دانشگاه تهران همواره به خاطر ذوق عرفانی و علاقه خاص به حکمت ذوقی، عرفان، ریاضت نفسانی و ذوق هنری به موضوع هنر دینی (قدسی) کشش و

۱. سوبجکتیو از کلمه سوژه به معنی موضوعیت در ادراک و شناسایی است و در اصطلاح موضوعیت ذهنی یا نفسانی، عاطفی که مبتنی بر خلاقیت های فردی و تفکرات و مفاهیم ذهنی و یا احساسات درونی است.

ذوق داشته است، از همان دوران به مطالعه و پژوهش در این باره پرداخته، و یادداشتهایی ذوقی و علمی نیز تهیه می کرده است تا اینکه عنایات الهی شامل این بنده گشت و موضوع رسالهٔ اینجانب «هنر قدسی» تعیین شد.

لذا اصل این نوشتار در رساله‌ای به نام هنر قدسی بوده است که غیر از اینکه حاصل ذوق و مطالعه و پژوهش باشد بن مایه آن برخاسته از افاضات - تقریرات - هدایت‌های درسی حکیم و ارسته و استاد گرانمایه جناب دکتر غلامرضا اعوانی در انجمن حکمت و فلسفه در سالهای ۷۸ و ۷۹ است که خود نیز سالها در زمینه هنر دینی به پژوهش و تحقیق اشتغال داشتند و مقالات و آثار نفیس در این زمینه از خود به یادگار گذاشته‌اند.

از پروردگار یکتا مسئلت دارم که حضرت استاد که از ذخائر فرهنگی و دانشگاهی کشور، و از چهره‌های ماندگار این سرزمین است سلامتی و طول عمر عنایت فرماید و توفیق بیشتری به ایشان در احیاء فرهنگ و حکمت و هنر این مرزوبوم بنماید. و در عالم عقبی نیز به ایشان اجر و پاداشی شایسته عطا نماید. و حقیر را نیز قفردان زحمات خالصانه آن عزیز فرزانه قرار دهد.

درباره کتاب هنر قدسی

الف - کتاب صرفاً جنبهٔ علمی یا حکمت ذوقی ندارد بلکه نوشته‌ای توصیفی، ادبی، عرفانی و شهودی نیز هست که قصدش ارائه تصویری دقیق از سیمای هنر قدسی است که از هفت بخش تنظیم شده است، شاید در نگاه ابتدایی، بخشهای کتاب هر کدام مبحثی مستقل به شمار آید اما با نگاهی از سر تأمل و دقت، ما را از چگونگی پیوند این بخشها با یکدیگر و با بخش‌هایی کتاب آگاه می‌سازد.

ب - در عین حال نگارنده این نوشته را چنانکه حضرت استاد در مقدمه اشاره نموده‌اند گامی مهم در معرفی و شناساندن هنر قدسی می‌داند، و به این نکته واقف است که هنر قدسی و مسائل آن باز جای تحقیق و پژوهش گسترده دارد هر چند

اساتید گرانقدری چون بورکهارت و شوان و استاد دانشمند دکتر سیدحسین نصر و استاد گرانقدر جناب دکتر اعوانی در این موضوع پژوهشهای ارزنده‌ای^۱ کرده‌اند.

ج- هر بخش از يك يا چند فصل تشکیل شده است لازم است به پی‌نوشت هر بخش نیز در پایان آن توجه شود. رجوع به این پاورقی‌ها ما را در هضم دقیق‌تر متن یاری می‌کند و یا احياناً به ابهاماتی که به عنوان سؤال در ذهن کنجکاو خواننده مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهد.

د- در بخش آخر که بخش ویژگیهای هنر قدسی است علاوه بر پی‌نوشت‌ها به پاورقی خود صفحه‌ها که با علامت ستاره یا شماره بر روی متن مشخص شده نیز توجه شود.

این پی‌نوشت‌ها نیز از خواننده نکته‌سنج و باهوش ابهام‌زدایی می‌نماید و برای معرفت دقیق‌تر هنر قدسی و معرفی منبع برای اثبات معدودی از اصول و مبانی آن مفید است.

از اساتید و پژوهشگران برجسته حکمت و هنر تقاضا دارم اگر نکته یا نکاتی ارزنده به نظرشان می‌رسد، از طریق انجمن حکمت و فلسفه به نگارنده اطلاع دهند تا ان شاء الله در چاپ دوم مورد استفاده قرار گیرد. از مساعدت و همیاری همسرم نیز سپاسگزارم.

از کارکنان انتشارات محترم اطلاعات، که برای نشر این کتاب نهایت لطف و محبت را مبذول داشته‌اند، قدردانی می‌کنم: سعیشان مأجور باد.

سخن نهایی

در پایان از خداوند منان عاجزانه می‌خواهم که نفس اینجانب را خالص

۱- لازم به یادآوری است که استاد ارجمند آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نیز در موضوع هنر دینی مقالات علمی و پژوهشی ارزنده‌ای دارند.

گرداند و این اثر ناچیز را از بنده نیازمند بپذیرد. و نیز این نوشته بتواند در ذهن پژوهندگان هنر از هنر دینی ترسیم روشنی بنماید و نوعی خودآگاهی و الهام و معرفت باطنی نسبت به این هنر در باطن خواننده جستجوگر و باهوش بوجود آورد.

بمنه و کرمه

مجتبی مطهری (الهامی)

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی